



Identifying and Ranking the Interaction of Structural barriers of Community-Based Tourism in Iran

Azade Fallahi¹ | Mohammad Hossein Ronaghi²

1. Department of Industrial Management, Faculty of Economics, Management and Administrative Sciences, Semnan University, Semnan, Iran. E-mail: azadefalahi@semnan.ac.ir
2. Corresponding Author, Department of Management, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. E-mail: mh_ronaghi@shirazu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 23 Jan 2022

Received in revised form:
03 Mar 2022

Accepted: 05 Mar 2022

Available online: 28 May 2022

Keywords:

Community-Based Tourism,
Barriers to Participation of Tourism Stakeholders,
Structural Barriers to Participation,
Interpretive Structural Modeling (ISM),
Iran.

ABSTRACT

Recently, the tourism literature has paid much attention to the role of society in all aspects of sustainable development and has considered the participation of society in tourism as an important challenge in the development of sustainable tourism. Local stakeholders often face numerous structural, cultural and operational barriers to active participation in community-based tourism. The present research has been done in terms of applied purpose and content analysis method. Data collection was done through library studies and was completed by a questionnaire using experts. Initially, 13 community-based tourism challenges were identified, endorsed and localized by experts; Then, the challenges identified by seven urban managements, tourism and university management experts were weighed using the SWARA method. Then, a model of barrier internal relationships was presented using an interpretive structural modeling approach. MICMAC software was applied to confirm the findings. According to the findings of interpretive structural modeling, the barriers were balanced at six levels and the barriers to the political attitude of the experts, the centralized government structure, and the distinct missions and goals; have had the most impact. Also, according to MICMAC, the six challenges include the political attitudes of experts, the centralized structure, the distinct mission and goals, the resistance to reform, the domination of the elite, and the high costs of participation; were identified as influential study variables. According to the results, the main factors that hinder the sustainable development of tourism are beyond the control of the people and local authorities. Therefore, the Ministry of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts at the national level should distribute power among city councils and establish a balance of power, so that local authorities can feel their impact on the development of community-based tourism.

Cite this article: Fallahi, A. & Ronaghi, M. H. (2022). Identifying and Ranking the Interaction of Structural barriers of Community-Based Tourism in Iran. *Geography and Environmental Sustainability*, 12 (2), 1-15. DOI: 10.22126/GES.2022.7391.2492



© The Author(s).

DOI: 10.22126/GES.2022.7391.2492

Publisher: Razi University

شناسایی و رتبه‌بندی تأثیر متقابل موانع ساختاری گردشگری اجتماع‌محور در ایران

آزاده فلاحی^۱ | محمدحسین رونقی^۲

۱. گروه مدیریت صنعتی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. رایانامه: azadefalahi@semnan.ac.ir
 ۲. نویسنده مسئول، گروه مدیریت، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: mh_ronaghi@shirazu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخچه مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴ دسترسی آنلاین: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷ کلیدواژه‌ها: گردشگری اجتماع‌محور، موانع مشارکت ذینفعان، مدل‌سازی ساختاری تفسیری، ایران ایی.	اخیراً ادبیات گردشگری به نقش جامعه در کلیه ابعاد توسعه پایدار توجه بسیاری معطوف داشته و مشارکت جامعه را در امور گردشگری، به‌عنوان یک چالش مهم در توسعه گردشگری پایدار برشمرده است. ذینفعان محلی اغلب برای مشارکت فعالانه در گردشگری اجتماع‌محور با موانع ساختاری، فرهنگی و عملیاتی متعددی روبرو هستند. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و با روش تحلیل محتوا انجام گرفته است. گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای انجام و با ابزار پرسش‌نامه به‌وسیله خبرگان تکمیل شده است. در ابتدا ۱۳ مورد از چالش‌های گردشگری مبتنی بر جامعه شناسایی و به‌وسیله خبرگان تأیید و بومی‌سازی شد؛ سپس به وزن‌دهی چالش‌های شناسایی شده توسط هفت خبره مدیریت امور شهری، گردشگری و دانشگاهی با استفاده از روش SWARA پرداخته شد. سپس الگویی از روابط درونی موانع با استفاده از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری ارائه و برای تأیید یافته‌ها از نرم‌افزار میک‌مک استفاده شد. طبق یافته‌های مدل‌سازی ساختاری تفسیری، موانع در شش سطح ترازبندی شدند و موانع نگرش سیاسی متخصصان، ساختار دولتی متمرکز و مأموریت و اهداف متمایز؛ بیشترین تأثیرگذاری را داشته‌اند. همچنین طبق یافته‌های میک‌مک، شش چالش نگرش سیاسی متخصصان، ساختار متمرکز، مأموریت و اهداف متمایز، مقاومت در مقابل اصلاحات، سلطه نخبگان و هزینه‌های بالای مشارکت؛ به‌عنوان متغیرهای اثرگذار مطالعه شناسایی شدند. طبق نتایج عمده عواملی که باعث مانع توسعه پایدار گردشگری می‌شوند از عهده مردم و مقامات محلی خارج است؛ لذا وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی در سطح ملی می‌بایست به توزیع قدرت بین شوراهای شهر اقدام کرده و تعادل و توازن قدرت را برقرار کند تا مقامات محلی تأثیر خود را بر روند توسعه گردشگری اجتماع‌محور لمس کنند.

استناد: فلاحی، آزاده؛ رونقی، محمدحسین (۱۴۰۱). شناسایی و رتبه‌بندی تأثیر متقابل موانع ساختاری گردشگری اجتماع‌محور در ایران. جغرافیا و پایداری محیط، ۱۲ (۳)، ۱۵-۱. DOI: 10.22126/GES.2022.7391.2492



© نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه رازی

مقدمه

گردشگری اجتماع محور^۱ به عنوان یکی از امیدوارکننده ترین روش های حفاظت از منابع طبیعی، تولید درآمد محلی و کاهش فقر و تقویت فرهنگ، به ویژه در کشورهای در حال توسعه ظاهر شده است (Tamir, 2015). گردشگری اجتماع محور همچنین، درباره عدالت اجتماعی، توانمندسازی، اقدامات توزیع مجدد، مالکیت بخش گردشگری و توسعه جامع کشور و اجتماع بحث می کند (Kala & Bagri, 2018). محققان در راستای شناسایی موانع مشارکت جامعه توانمند برای همکاری در توسعه گردشگری در کشورهای در حال توسعه، موانعی را شناسایی کرده اند که در سطوح سازمانی و جامعه یافت می شود و عمدتاً منشأ ساختاری دارد و پیدایش آن ها به دلیل فقدان نقش اعضای جامعه در تصمیم گیری به دلایلی از قبیل کمبود منابع و دانش، سلطه نخبگان و ضعف در مهارت و آموزش بوده است که موجب آن شده تا افراد از نظر مالکیت در امور گردشگری فاقد توان، دغدغه و انگیزه باشند (Kala & Bagri, 2018; Aref, 2011; Tosun, 2000; Yitmen, 2015; Phanumat et al., 2015; Cole, 2006 & Eyiah-Botwe et al., 2015).

محققان همچنین در تلاش برای ایجاد یک چارچوب پایدار مدیریت ذینفعان در کشورهای در حال توسعه، موانع مهم سد راه مشارکت و مدیریت مناسب ذینفعان در امور مهم شهری در کشورهای در حال توسعه را با پنج مانع از قبیل (۱) کمبود دانش مدیران پروژه در زمینه مدیریت ذینفعان (۲) عدم تناسب در رویه تدارکات عمومی، (۳) سیاسی کاری ها (۴) تأخیر در روند پروژه ها و (۵) ضعف در برنامه ریزی و توسعه برنامه و پروژه ها، مرتبط دانسته اند (Eyiah-Botwe et al., 2015).

در این راستا نتایج لطیفی و سویزی (۱۳۹۳)، نشان داده که میزان مشارکت شهروندان ایرانی تحت تأثیر عواملی چون رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری، وجود حس مالکیت در شهروندان، آگاهی مردم از مسئولیت های خود در قبال سامانه مدیریت شهری، وجود حس تعلق اجتماعی، آگاهی شهروندان از ابعاد مشارکت، شفاف سازی عملکرد مدیران اجرایی، یکسان نگری و عدم تبعیض میان مناطق مختلف، ایجاد اعتماد متقابل از سوی مدیریت شهری به منظور جلب مشارکت شهروندان و رفع بدبینی نسبت به مدیریت شهری در نزد مردم در رابطه با جلب مشارکت، شفاف سازی کانال های ارتباطی، رعایت حقوق شهروندی و شهروندمداری سامانه مدیریت شهری است که این عوامل باعث بروز فضای مطمئن مشارکتی و نهادینه ساختن فرهنگ مشارکت مدنی خواهند شد (لطیفی و سویزی، ۱۳۹۳). عابدی و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که شهر کیاسر در ایران از لحاظ شاخص های مشارکت، عدالت اجتماعی، شفافیت، پذیرش نظرات و پاسخگو بودن به شهروندان در وضعیت مناسبی ندارد. از سوی دیگر، ظرفیت سازی جامعه^۲ برای توانمندسازی مردم محلی برای بهره برداری از فرصت های ارائه شده در بطن توسعه گردشگری امری حیاتی است. از این رو توسعه گردشگری باید با خلق و توسعه ظرفیت برای جامعه پشتیبانی شود. به این ترتیب، ارزیابی موانع ایجاد ظرفیت جامعه برای توسعه گردشگری گام مهمی در توسعه توانایی جامعه برای مشارکت جامعه محلی است (Aref, 2011).

در مباحث مشارکت و شناسایی عوامل و موانع مربوط به آن لازم است تا ابتدا تصویری مشخص از ذینفعان آن ارائه شود. در ادبیات، تعاریف گسترده ای از ذینفعان گردشگری وجود دارد؛ به عنوان مثال لی (۲۰۱۶)، ذینفعان گردشگری را به عنوان «اعضای یک شبکه به هم پیوسته که در آن امکاناتی برای تعامل بین هر دو یا چند مؤلفه درون سامانه وجود دارد» تعریف کرده است (Le, 2016: 78). ذینفعان گردشگری می توانند صاحبان شرکت های گردشگری و یا کارآفرینان در عرصه گردشگری باشند؛ یا اینکه در صنعت گردشگری اشتغال نداشته (خارج از صنعت گردشگری باشند) ولی به طور کلی زندگی آنها تحت تأثیر عملکرد این حوزه باشد (Alshboul, 2016).

این ذینفعان به عنوان ورودی صنعت گردشگری به شمار می روند؛ لذا توانمندسازی آنها بر خروجی عملکرد

1- Community-based tourism (CBT)

2- Community capacity building (CCB)

گردشگری مؤثر است. توانمندسازی ذینفعان را می‌توان به‌عنوان یک فرایند چندبعدی در نظر گرفت که عبارت است از ایجاد تعادل بین قدرتمند و ناتوان و به عبارتی بین سلطه‌گر و وابسته (Cole, 2006). به عقیده پژوهشگران، نامشخص بودن ذینفعان و حیطه اختیارات مقامات محلی^۱ و همچنین هم‌پوشانی مسئولیت‌ها در بین سازمان‌های گردشگری از موانع ارتباطی مشارکت ذینفعان هستند، زیرا مانع تعادل در قدرت و به اشتراک گذاشتن اطلاعات به شکلی عادلانه در بین ذینفعان خواهند شد (Siti-Nabiha & Saad, 2015).

از سوی دیگر تعاملات ضعیف و عدم وضوح اهداف برای ذینفعان متعدد به وضعیت هم‌پوشانی نقش و مسئولیت‌ها دامن می‌زند (Harbrich & Hickmann, 2018). به عقیده صاحب‌نظران، غالباً شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاکم در ایران، تغییرات مداوم مدیران و هم‌پوشانی مسئولیت‌ها؛ اجرای برنامه‌های گردشگری پایدار را متزلزل کرده است. در واقع، تغییرات مکرر مدیران مانع اجرای برنامه‌های بلندمدت و بنابراین عدم همسویی مأموریت‌های از پیش تعیین شده با یکدیگر خواهد شد (موسایی و همکاران، ۱۳۹۱). دیگر پژوهشگران محدودیت‌های ساختاری مانع مشارکت ذینفعان را شامل سبک مدیریت غیر مشارکتی (Nita et al., 2018)، نخبه‌سالاری، عدم شفافیت، هزینه بالای مشارکت، ساختار قدرت و ساختار اقتصاد (Tosun, 2000; Phanumat et al., 2015)، ذهنیت فعلی‌گرا^۲ (چشم‌انداز محدود با هدف رفع مشکلات فعلی جامعه و نه فراتر از آن)، مشتری‌پرستی^۳ یا مشتری‌گرایی افراطی، سامانه تخصیص منابع تصادفی و ناعادلانه، توکن‌گرایی^۴ (نمادکاری و عدم صداقت که صرفاً برای بستن دهان بخشی از ذینفعان باشد، مانند همکاری با اقلیت‌ها برای جلب اعتمادشان)؛ دانسته‌اند (Tosun, 2000).

در بین عوامل مذکور، عدم شفافیت موجب عدم اعتماد مردم به نهادهای دولتی و متعاقباً موجب عدم مشارکت مؤثر در پروژه‌های دولتی خواهد شد (عبدی و همکاران، ۱۳۹۸). در این رابطه آخرین گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل در ژانویه ۲۰۲۰؛ ایران از لحاظ فساد مالی و گسترش آن در میان ۱۸۰ کشور جهان رتبه ۱۴۶ را کسب کرده که در مقایسه با آمار این سازمان در سال قبل آن، هشت پله سقوط کرده است. این بدترین رتبه این کشور طی سال‌های اخیر بوده است (یورونیوز فارسی، ۱۳۹۸).

باید توجه داشت کشورهایی که توزیع منابع در آنها غیرشفاف و بسیار ناکارآمد است؛ چه از نظر فساد، چه از نظر مشتری‌گرایی سیاسی^۵ و چه از نظر ناکارآمدی، در طول تاریخ بهانه‌های بیشتری برای وقفه‌های سیاسی در قالب انقلاب و ناآرامی داشته‌اند. عموماً کشورهایی که فرایندهای دولتی مبهم و نامشخص دارند، بررسی نتایج هزینه‌های مالی آنها اغلب ابهام زیادی دارد. در این مورد، بررسی سیاست‌های تخصیص‌های مالی ایران می‌تواند به روشن شدن علل و پیامدهای توزیع منابع کمک کند. اولین قدم برای بررسی علل احتمالی، توضیح مختصر پیچیدگی فرایند بودجه‌ریزی ایران و بررسی چرایی این مشکل است.

در این رابطه فرضیه مشتری‌گرایی سیاسی را می‌توان به‌خوبی در ایران آزمایش کرد، چراکه ایران دارای ۵۱ درصد قومیت فارسی و هفت قومیت دیگر شامل کرد، آذری، مازندرانی، عرب، لر، بلوچ و ترکمن است. باتوجه‌به اینکه ایران یک حکومت دینی با تنوع قومی بیشتر از بسیاری از کشورهای منطقه است، بی‌دلیل نخواهد بود که گمان کنیم ناهمگنی قومی یا دین‌داری یا هر دو، بر تصمیمات در توزیع بودجه تأثیرگذار است (Ledford & Lynch, 2019). یکی از ریشه‌های اصلی مشتری‌گرایی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که موجب دسترسی طبقه خاصی به منابع عظیم دولتی می‌شود؛ رویکرد نخبه‌گرایانه^۶ در روند توسعه است. به این ترتیب که یک سامانه تخصیص منابع تصادفی و

1- Local Authority (LA)

2- Present-oriented mentality

3- Clientelism

4- Tokenism

5- <https://per.euronews.com/2020/01/23/transparency-international-2019-corruption-index-iran-146th>

6- Political clientelism

7- Elite domination

ناعدالانه توسط مقامات دولتی و دسترسی ترجیحی به نهادهای تصمیم‌گیری برای نخبگان ایجاد می‌شود که مانع توزیع عادلانه منابع بین بقیه ذینفعان را موجب می‌شود (Tosun, 2000 و زارعی، ۱۴۰۰).

وضعیت تخصیص منابع به میزان زیادی تحت تأثیر نگرش‌های سیاسی است. برخی از متخصصان ادعا می‌کنند که برنامه‌ریزی و توسعه عملیاتی بدون داشتن دیدگاه سیاسی فاقد ارزش است؛ لذا، سامانه‌های تخصیص منابع به نحوی دستخوش سیاسی‌کاری‌هایی قرار می‌گیرد که نتیجه آن به حاشیه رفتن بخشی از جامعه و مشارکت نمادین و شعارگونه یک عده از ذینفعان در روند توسعه می‌شود. تخصیص ناعادلانه منابع همچنین می‌تواند موجب آن شود که متخصصان دچار ذهنیت فعلی‌گرا شوند؛ زیرا به دلیل تخصیص‌های نامناسب و بالطبع محدودیت منابع در برخی بخش‌ها، آنها نمی‌توانند برای دستیابی به برخی اهداف و برنامه‌ها، فراتر از رفع نیازها و مشکلات فعلی موجود جامعه بیندیشند (Phanumat et al., 2015; Siti-Nabiha & Saad, 2015; Tosun, 2000; Yitmen, 2015; Phanumat et al., 2015).

سیاسی‌کاری‌ها موجب می‌شود توان بسیاری از ذینفعان کاهش‌یافته و ساختار ذینفعان حقیقی به تدریج تغییر شکل یابد. از این رو برخی از افراد جامعه با ازدست‌دادن قدرت خود در تصمیم‌گیری‌های مهم، به تدریج به انزوا کشیده شوند (Tosun, 2000; Phanumat et al., 2015 و زارعی، ۱۴۰۰)؛ بنابراین و بنا بر اهمیت موضوع مذکور، هدف اصلی پژوهش حاضر در پاسخ به این سؤال مطرح و بررسی شده است که موانع ساختاری مؤثر بر گردشگری اجتماع‌محور در ایران کدام‌اند و این معیارها از دیدگاه خبرگان دارای چه اولویت‌هایی برای اجرا هستند؟.

مواد و روش‌ها

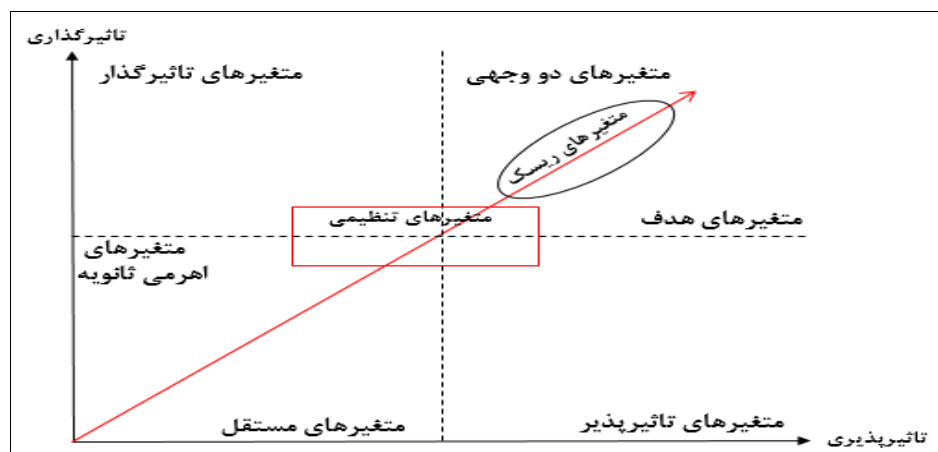
پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و با روش تحلیل محتوا انجام گرفته است. گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای انجام و با ابزار پرسش‌نامه به‌وسیله خبرگان تکمیل شده است. ابتدا ۱۳ مورد از چالش‌های گردشگری مبتنی بر جامعه شناسایی و به‌وسیله خبرگان تأیید و بومی‌سازی شد؛ سپس به وزن‌دهی چالش‌های شناسایی شده توسط هفت خبره مدیریت امور شهری، گردشگری و دانشگاهی با استفاده از روش SWARA پرداخته شد. خبرگان با روش قضاوتی هدفمند انتخاب شدند و ویژگی مدنظر محققان مطالعه حاضر برای استفاده از اطلاعات خبرگان بر اساس شناخت عمیق آنها از حوزه مربوطه و شناخت نسبی آنها از ابعاد فرعی موضوع و همچنین تجربه عملی آنها در حوزه گردشگری و امور شهری بوده است.

به طور خلاصه فرایند انجام این پژوهش شامل سه مرحله بوده است: ۱- شناسایی معیارها: در این مرحله معیارها با تحلیل محتوای پژوهش‌های مرتبط شناسایی شدند. ۲- وزن‌دهی معیارها: در این مرحله از طریق یک پرسش‌نامه ساختاریافته به‌وسیله هفت نفر خبره که با روش قضاوتی هدفمند انتخاب شدند؛ به تعیین وزن معیارها اقدام شد. ۳- تعیین روابط بین متغیرها و تعیین نوع متغیرها (مدل‌سازی): در این مرحله پرسش‌نامه دیگری تنظیم شد و خبرگان مذکور به تعیین روابط در بخش مدل‌سازی ساختاری تفسیری پرداختند. سپس با تبدیل ماتریس روابط و ایجاد سازگاری در ماتریس روابط، گراف ISM به‌عنوان مدل‌سازی گرافیکی روابط ترسیم و با استفاده از تحلیل MICMAC نوع متغیرها نیز تعیین شد.

این مطالعه ابتدا چالش‌های شناسایی شده را توسط هفت نفر خبره (۳ نفر امور مدیریت شهری، ۲ نفر گردشگری و ۲ نفر دانشگاهی)؛ با استفاده از روش SWARA وزن‌دهی کرده است. خبرگان با روش قضاوتی هدفمند انتخاب شدند و ویژگی مدنظر محققان مطالعه حاضر برای استفاده از اطلاعات خبرگان بر اساس شناخت عمیق آنها از حوزه مربوطه و شناخت نسبی آنها از ابعاد فرعی موضوع و همچنین تجربه عملی آنها در عرصه مدنظر بوده و تعداد خبرگان باتوجه به ماهیت توصیفی پژوهش به‌صورت محدود و هدفمند انتخاب شده و تا اشباع نظری ادامه پیدا کرده است. در این مرحله پرسش اصلی این بود: «اولویت چالش‌های شناسایی شده مرتبط با مشارکت جوامع در گردشگری پایدار مبتنی بر جامعه» کدام‌اند؟ با محوریت این پرسش تعداد هفت پرسش‌نامه طراحی و در اختیار خبرگان قرار داده شد.

پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها و جمع‌آوری نظرات خبرگان با استفاده از روش سوارا از مجموع نظرات میانگین گرفته شد. استفاده از روش سوارا به‌عنوان یکی از روش‌های تصمیم‌گیری گروهی در تصمیم‌گیری‌های سطح بالا و بسیار مهم توصیه شده است که بر اساس توافق جمعی میان کارشناسان صورت می‌گیرد. این روش قابل‌فهم و ساده است و در مقایسه با روش‌هایی نظیر AHP و ANP تعداد مقایسات زوجی کمتری دارد (Stanujkic et al., 2015). در گام بعد برای تعیین روابط ساختاری میان چالش‌ها، از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری^۱ استفاده گردید. مدل‌سازی ساختاری تفسیری یکی از ابزارهایی است که تعامل بین متغیرهای مختلف را نشان می‌دهد و روابط بین متغیرها را به‌صورت روابط سلسله‌مراتبی ارائه می‌دهد؛ بنابراین، این روش به‌منظور شناسایی و نشان‌دادن روابط بین اجزای مختلف که می‌توانند روابط پیچیده‌ای داشته باشند، مورد استفاده قرار می‌گیرد (Singh & Kant, 2008). در گام تکمیلی باهدف تابید نتایج مدل و آزمون از تحلیل میک‌مک استفاده شد. این روش یکی از ابزارهای «آینده‌نگاری راهبردی» به شمار می‌آید و یک رویکرد ساختاری برای دسته‌بندی متغیرها باتوجه‌به قدرت محرک و وابستگی آنها است (Janssen, 2019). در این بخش پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته‌ای میان خبرگان مذکور توزیع و از آنها خواسته شد تا در چارچوب ماتریس اثرات متقاطع به متغیرها، بر مبنای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری با اعداد «صفر» به منزله بی‌تأثیر، «یک» تأثیر ضعیف، «دو» تأثیر متوسط و «سه» تأثیر زیاد است. سپس امتیازها در ماتریس وارد شد تا بر اساس میزان تأثیر عوامل، پیشران‌های کلیدی به دست آیند. همچنین پلان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عوامل مؤثر بر آینده پژوهشی در شکل ۱ قابل مشاهده است.

در بخش روش‌شناسی تحلیل میک‌مک در مجموع دو نوع پراکنش تعریف شده است که به نام سامانه‌های پایدار و سامانه‌های ناپایدار معروف هستند. در سامانه‌های پایدار پراکنش متغیرها به‌صورت L انگلیسی نشان داده شده است؛ یعنی برخی متغیرها دارای تأثیرگذاری بالا و برخی دارای تأثیرپذیری بالا هستند. در سامانه‌های ناپایدار وضعیت پیچیده‌تر از سامانه‌های پایدار است. در سامانه‌های ناپایدار، متغیرها حول محور قطری صفحه پراکنده هستند و متغیرها در بیشتر مواقع، حالت بینابینی از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را نشان می‌دهند که این امر ارزیابی و شناسایی عوامل کلیدی را بسیار مشکل می‌کند.



شکل ۱. پلان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عوامل مؤثر بر آینده پژوهشی (Godet et al., 2003)

نتایج

طبق تحلیل محتوای مطالعات پیشین داخلی و خارجی در مباحث مشارکت ذینفعان در امور گردشگری و برنامه‌ریزی شهری و همچنین تکمیل پرسش‌نامه به‌وسیله هفت نفر خبره، به شناسایی، بومی‌سازی و تأیید ۱۳ مورد از مهم‌ترین چالش‌های ساختاری گردشگری اجتماع‌محور مطابق جدول ۱ اقدام شد.

جدول ۱. موانع ساختاری مشارکت ذینفعان

عوامل	منابع
مأموریت و اهداف متمایز	موسایی و همکاران، ۱۳۹۱؛ Nita et al., 2018; Tosun, 2000; Yitmen, 2015; Phanumat et al., 2015; Cole, 2006
ساختار دولتی متمرکز	موسایی و همکاران، ۱۳۹۱؛ عبدی و همکاران، ۱۳۹۸؛ Tosun, 2000; Yitmen, 2015; Phanumat et al., 2015; Cole, 2006; Aref, 2011; Siti-Nabiha & Saad, 2015
نگرش سیاسی متخصصان	زارعی، ۱۴۰۰؛ Tosun, 2000; Yitmen, 2015; Phanumat et al., 2015; Eyiah-Botwe et al., 2015
مشتری پرستی	Tosun, 2000; Ledford & Lynch, 2019; Yitmen, 2015; Phanumat et al., 2015; Cole, 2006
نخبه گرایی و شکاف بین نخبگان	زارعی، ۱۴۰۰؛ Tosun, 2000; Ledford & Lynch, 2019; Cole, 2006
مقاومت مقابل اصلاحات	Tosun, 2000; Siti-Nabiha & Saad, 2015; Yitmen, 2015; Phanumat et al., 2015; Cole, 2006
ذهنیت فعلی گرا	Tosun, 2000; Yitmen, 2015; Phanumat et al., 2015; Cole, 2006
مدیریت غیر مشارکتی	لطیفی و سویزی، ۱۳۹۳؛ عبدی و همکاران، ۱۳۹۸؛ Kala & Bagri, 2018; Tosun, 2000; Tosun, 2000; Yitmen, 2015; Phanumat et al., 2015; Cole, 2006; Nita et al., 2018
هم پوشانی نقش ها	لطیفی و سویزی، ۱۳۹۳؛ Harbrich & Hickmann, 2018; Tosun, 2000; Yitmen, 2015; Phanumat et al., 2015; Cole, 2006
سامانه های تخصیص منابع نامناسب	لطیفی و سویزی، ۱۳۹۳؛ Tosun, 2000; Ledford & Lynch, 2019; Yitmen, 2015; Phanumat et al., 2015; Cole, 2006; Aref, 2011
هزینه بالای مشارکت	زارعی، ۱۴۰۰؛ Tosun, 2000; Yitmen, 2015; Phanumat et al., 2015; Cole, 2006 & Nita et al., 2018
تغییر ساختار شبکه ذینفعان	لطیفی و سویزی، ۱۳۹۳؛ Tosun, 2000; Yitmen, 2015; Phanumat et al., 2015; Cole, 2006; Nita et al., 2018
انزوای جامعه	لطیفی و سویزی، ۱۳۹۳؛ عبدی و همکاران، ۱۳۹۸؛ Tosun, 2000; Yitmen, 2015; Phanumat et al., 2015; Cole, 2006

موانع شناسایی شده موجود در جدول ۱، با استفاده از طریق روش سوارا و بر اساس ادغام نظرات خبرگان، وزن دهی شدند که وزن نهایی چالش ها در جدول ۲ به ترتیب نزولی ارائه شده است.

جدول ۲. محاسبه وزن معیارها با استفاده از روش SWARA

معیار	شاخص	S_j (اهمیت نسبی)	$K_i = S_i + 1$ ضریب	$W_j = (X_i - 1) / K_i$ وزن اولیه	$q_i = W_i / \sum(w_i)$ وزن معیار
C1	نگرش سیاسی متخصصان	-	۱	۱	۰/۲۱
C2	ساختار دولتی متمرکز	۰/۱۹	۱/۱۹	۰/۸۴۳	۰/۱۷
C3	مأموریت و اهداف متمایز	۰/۲۶	۱/۲۶	۰/۶۷۱	۰/۱۴
C4	هم پوشانی نقش ها	۰/۳۰	۱/۳۰	۰/۵۱۶	۰/۱۱
C5	سلطه نخبگان	۰/۲۱	۱/۲۱	۰/۴۲۵	۰/۰۹
C6	مقاومت مقابل اصلاحات	۰/۲۹	۱/۲۹	۰/۳۳۱	۰/۰۷
C7	سامانه های تخصیص منابع نامناسب	۰/۲۶	۱/۲۶	۰/۲۶۳	۰/۰۵
C8	ذهنیت فعلی گرا	۰/۲۴	۱/۲۴	۰/۲۱۲	۰/۰۴
C9	مشتری پرستی	۰/۲۹	۱/۲۹	۰/۱۶۵	۰/۰۳۴
C10	هزینه بالای مشارکت	۰/۲۱	۱/۲۱	۰/۱۳۶	۰/۰۲۸
C11	مدیریت غیر مشارکتی	۰/۲۹	۱/۲۹	۰/۱۰۵	۰/۰۲۲
C12	انزوای جامعه	۰/۲۳	۱/۲۳	۰/۰۸۶	۰/۰۱۸
C13	تغییر ساختار شبکه ذینفعان	۰/۲۶	۱/۲۶	۰/۰۶۸	۰/۰۱۴

در ادامه برای تعیین روابط علی و معلولی چالش‌ها با استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری، متغیرها بر اساس میزان نفوذ و وابستگی شناسایی شدند. براین اساس در گام اول ماتریس خودتأملی طبق جدول ۳ ایجاد شد.

جدول ۳. ماتریس ساختار روابط درونی متغیرها

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V		۱
V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	X			۲
V	V	V	V	V	V	V	V	V	V				۳
V	V	V	V	O	O	X	X	X					۴
V	V	V	V	V	V	V	X						۵
V	V	V	V	V	V	V							۶
V	V	V	V	V	V								۷
V	V	V	X	X									۸
V	V	V	X										۹
V	V	V											۱۰
V	V												۱۱
X													۱۲
													۱۳

در ماتریس فوق، از نمادهایی استفاده شده است که دسترسی‌پذیری را نشان می‌دهند. این نمادها در جدول ۴ مطرح گردیده است.

جدول ۴. راهنمای ایجاد روابط مفهومی میان موانع

نماد	مفهوم نماد	معادل عددی
V	i منجر به j می‌شود (سطر منجر به ستون می‌شود)	۱
A	j منجر به i می‌شود (ستون منجر به سطر می‌شود)	-۱
X	رابطه دوطرفه میان i و j وجود دارد	۲
O	رابطه معتبری میان i و j وجود ندارد	۰

راهنمای جدول: A معیار j بر معیار i تأثیرگذار است، V معیار i بر معیار j تأثیرگذار است، X معیار i و j بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و O میان معیار i و j رابطه‌ای وجود ندارد.

سپس به کمک ماتریس دستیابی اولیه روابط درونی ابعاد ترسیم و سپس با بررسی انتقال‌پذیری (انتقال‌پذیری باتوجه‌به این فرض شکل می‌گیرد که اگر عامل A با B در ارتباط باشد و B نیز با C مرتبط باشد، آنگاه A لزوماً با C در ارتباط است) به ماتریس دستیابی نهایی تبدیل شد. با استفاده از ماتریس اولیه به‌دست‌آمده به این نکته توجه گردید که رابطه منطقی بین ابعاد وجود داشته باشد. سپس با جمع اعداد هر سطر قدرت نفوذ و میزان وابستگی حاصل جمع اعداد هر ستون به دست آمد که در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. ماتریس دسترسی نهایی موانع ساختاری گردشگری اجتماع‌محور

نفوذ	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۲
۱۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۳
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۴
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۵
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۶
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	*۱	*۱	۱	۰	۰	۰	۷
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۸

ادامه جدول ۵.

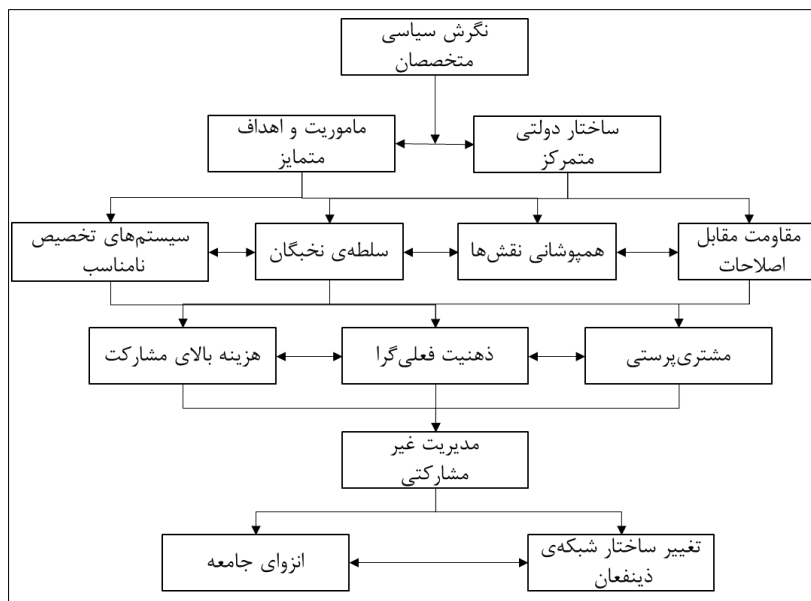
نفوذ	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
۱۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
۱۲	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
۱۳	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
وابستگی	۱۲	۱۲	۱۰	۹	۹	۹	۶	۶	۶	۶	۲	۲	۰	

بعد از آن برای تعیین سطح و اولویت متغیرها، مجموعه دستیابی و مجموعه پیش‌نیاز برای هر متغیر تعیین شد. پس از تعیین مجموعه‌های پیش‌نیاز (ورودی) و دستیابی (خروجی) و عناصر مشترک به تعیین سطح معیارها طبق جدول ۶ اقدام شد.

جدول ۶. سطح‌بندی معیارها بر اساس مجموعه ورودی، خروجی و اشتراک

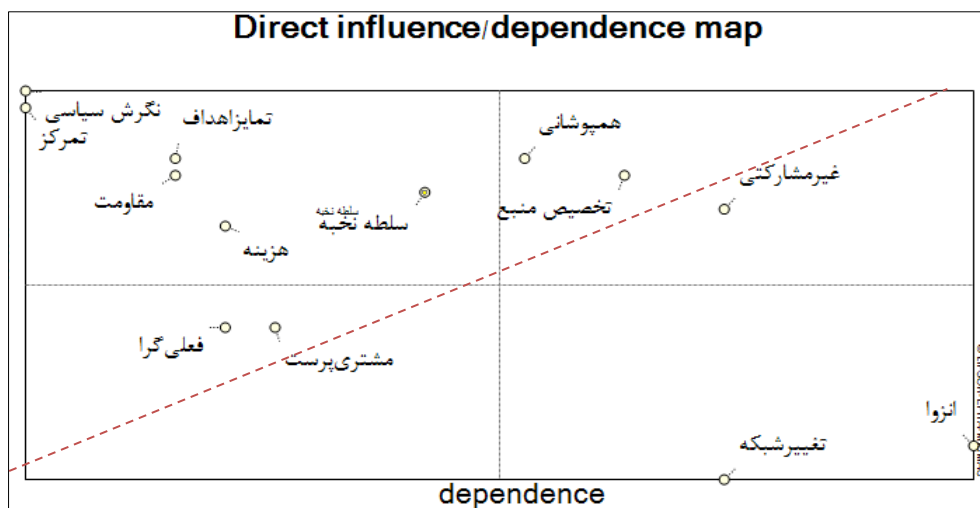
معیار	مجموعه ورودی	مجموعه خروجی	مجموعه اشتراک‌ها	سطح
۱	۱۳و۱۲و۱۱و۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۱	۱	۶
۲	۱۳و۱۲و۱۱و۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۳و۲و۱	۳و۲و۱	۵
۳	۱۳و۱۲و۱۱و۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۳و۲و۱	۳و۲و۱	۵
۴	۱۳و۱۲و۱۱و۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۴
۵	۱۳و۱۲و۱۱و۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۴
۶	۱۳و۱۲و۱۱و۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۴
۷	۱۳و۱۲و۱۱و۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۴
۸	۱۳و۱۲و۱۱و۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۳
۹	۱۳و۱۲و۱۱و۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۳
۱۰	۱۳و۱۲و۱۱و۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۳
۱۱	۱۳و۱۲و۱۱و۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۱۱	۲
۱۲	۱۳و۱۲و۱۱و۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۱۳و۱۲و۱۱و۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۱۳و۱۲و۱۱و۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۱
۱۳	۱۳و۱۲و۱۱و۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۱۳و۱۲و۱۱و۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۱۳و۱۲و۱۱و۱۰و۹و۸و۷و۶و۵و۴و۳و۲و۱	۱

سپس بر اساس جدول ۵ و ۶ به ترسیم روابط پرداخته شد (شکل ۲).



شکل ۲. مدل پیشنهادی موانع ساختاری گردشگری اجتماع‌محور

بدین ترتیب چالش انزوای جامعه و تغییر ساختار شبکه ذینفعان (کمترین نفوذ، بیشترین وابستگی) به عنوان سطح اول و چالش نگرش سیاسی متخصصان (بیشترین نفوذ، کمترین وابستگی) به عنوان سطح ششم شناخته شدند. در مرحله بعد با استفاده از نرم افزار میک مک، به تعیین و طبقه‌بندی عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر موانع، نوع عوامل باتوجه به اثرگذاری و اثرپذیری آنها پرداخته شد. پس از تعیین قدرت نفوذ یا اثرگذاری و قدرت وابستگی، چالش‌های مؤثر بر گردشگری اجتماع محور در یکی از خوشه‌های چهارگانه روش ماتریس اثر عوامل طبقه‌بندی شدند. براین اساس شکل ۳ گویای قدرت پیشران/وابستگی و جایگاه هر یک از عوامل و نقش آنها است. قابل ذکر است. در مطالعه‌ی حاضر چندین شاخص تأثیرگذار وجود دارد که به شناسایی متغیرهای تأثیرگذار سامانه کمک می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت که سامانه از پایداری مناسبی برخوردار است. در این بخش، ابتدا ماتریسی به ابعاد 13×13 تنظیم شد که درجه پرشدگی آن ۸۸ درصد بود. همچنین از مجموع ۱۴۹ رابطه موجود بین متغیرها، تعداد ۲۰ رابطه عدد صفر بوده که به این معنی است عوامل بر همدیگر تأثیر نداشته یا از همدیگر تأثیر نپذیرفته‌اند. ۴۵ رابطه عدد یک بوده است بدین معنی که تأثیر کمی نسبت به هم داشته‌اند، ۴۰ رابطه عدد دو بوده است، بدین معنی که رابط تأثیرگذار نسبتاً قوی داشته‌اند و ۶۴ رابطه عدد سه داشته‌اند بدین معنی که روابط متغیرهای کلیدی بسیار زیاد بوده است و از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری زیادی برخوردار بوده‌اند.



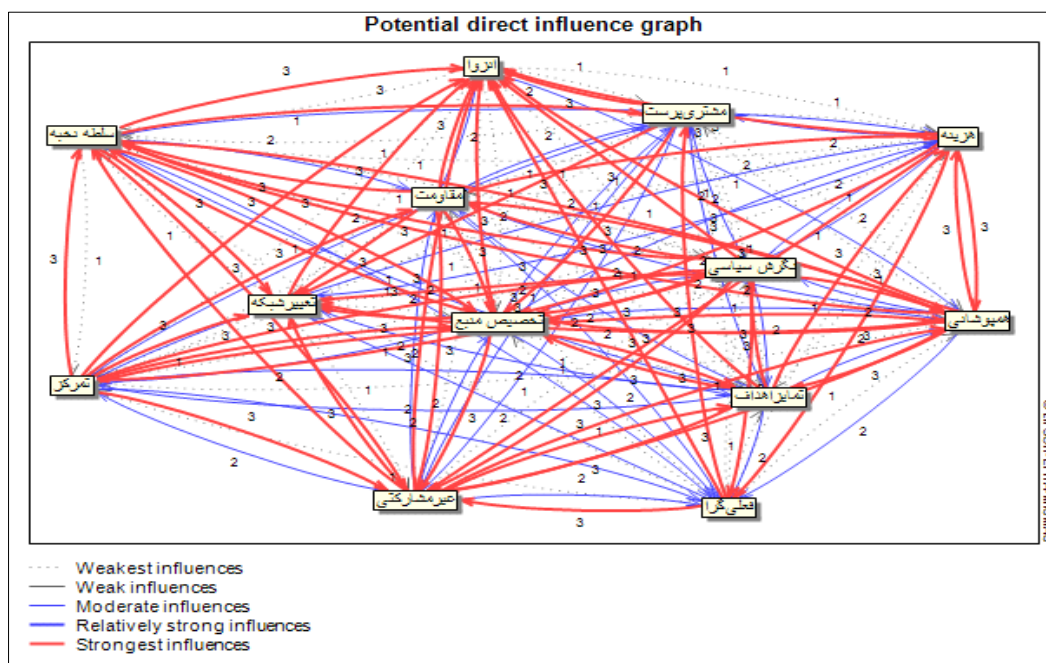
شکل ۳. نمودار قدرت هدایت - وابستگی میان چالش‌ها

تحلیل تأثیرات مستقیم بالقوه معیارها بر یکدیگر

تأثیر مستقیم متغیرها نسبت به یکدیگر از صفر تا سه و بر اساس نظر متخصصان است، آن مقدار تأثیری که یک عامل از عوامل دیگر می‌پذیرد به عنوان تأثیرپذیری و آن مقدار تأثیری که یک عامل بر عوامل دیگر می‌گذارد به عنوان تأثیرگذاری ثبت شده است. با اتکا به یافته‌های مذکور نیروهای پیشران به لحاظ تأثیرگذاری قابل تشخیص خواهند بود. چالش‌های نگرش سیاسی متخصصان، ساختار متمرکز، مأموریت و اهداف متمایز، مقاومت در برابر اصلاحات، سلطه نخبگان و هزینه‌های بالای مشارکت به ترتیب دارای بیشترین تأثیر و کمترین تأثیرپذیری نسبت به دیگر متغیرها بوده‌اند. به عبارتی، مهم‌ترین ویژگی این متغیرها، تأثیرپذیری پایین و تأثیرگذاری بالاست. همچنین چالش‌های انزوای جامعه و تغییر ساختار شبکه ذینفعان دارای کمترین میزان تأثیرگذاری و بیشترین تأثیرپذیری هستند که این حاکی از تأیید یافته‌ها در بخش مدل‌سازی ساختاری تفسیری است. این مطالعه همچنین دارای دو متغیر اهرمی ثانویه یعنی مشتری پرستی و ذهنیت فعلی گرا است که این متغیرها در ناحیه سوم (ناحیه مستقل) و قسمت بالای خط قطری نمودار راهبردی قرار گرفته و با وجود این که کاملاً مستقل هستند، بیش از آنکه تأثیرپذیر باشند، تأثیرگذار هستند.

همچنین متغیر مدیریت غیر مشارکتی به عنوان متغیر ریسک مطالعه شناخته شده است. این متغیر که قسمت شمال شرقی خط قطری قرمز رنگ قرار دارد؛ قابل کنترل بوده و بر پویایی و تغییر سامانه مؤثر است. دو متغیر هم پوشانی نقش ها و تخصیص نامناسب منابع در ناحیه شمال شرقی نمودار به عنوان متغیر دو وجهی در نظر گرفته می شوند. این متغیرها، هم زمان به صورت بسیار تأثیرگذار و بسیار تأثیرپذیر، عمل می نمایند. طبیعت متغیرهای دو وجهی با عدم پایداری آمیخته است، زیرا هر عمل و تغییری بر روی آنها، واکنش و تغییری بر دیگر متغیرها را به دنبال دارد. در نهایت، دو متغیر تغییر ساختار شبکه ذینفعان و انزوای جامعه متغیرهای وابسته یا نتیجه سامانه هستند. این متغیرها که در قسمت جنوب شرقی نمودار قرار دارند، دارای اثرپذیری بالا و اثرگذاری کمی هستند (شکل ۳).

نمودار اثرگذاری نشان دهنده روابط بین متغیرها و چگونگی اثرگذاری آنها بر یکدیگر است. این گراف با خطوطی در دورنگ قرمز و آبی ترسیم می شود و اندازه گیری تأثیرات بسیار ضعیف، متوسط میانه و نسبتاً قوی را نشان می دهد. درواقع، خطوط قرمز نشان دهنده اثرگذاری شدید عوامل بر یکدیگر است و خطوط آبی، با تفاوت در ضخامت، روابط متوسط تا ضعیف را نشان می دهد. مقدار تأثیری که تک تک عوامل بر یکدیگر می گذارند به وسیله نرم افزار میک مک به توان های مختلف رسانده شده است که مجموع آنها مقدار عددی تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری را تشکیل می دهد. از آنجاکه پوشش ۱۰۰ درصد، تمامی تأثیرات متغیرها را از بسیار قوی تا بسیار ضعیف نشان می دهد، در این قسمت گراف اثرگذاری عوامل با پوشش ۱۰۰ درصد نشان داده شده است (شکل ۴).



شکل ۴. نمودار تأثیرات مستقیم بالقوه چالش ها با پوشش ۱۰۰ درصد بر حسب عنوان متغیر (خروجی نرم افزار میک مک)

بحث

گردشگری اجتماع محور نوعی رویکرد جدید به عملکرد بخش گردشگری است که هدف آن توسعه پایدار، ارتقا تصویر و جذابیت یک مقصد است. از آنجاکه این رویکرد در کشورهای در حال توسعه هنوز در مراحل ابتدایی است؛ شناسایی موانع اجرایی برای اجرای موفقیت آمیز آن ضروری است. اهمیت صنعت گردشگری در رونق اقتصادی بسیار آشکار است و چون کشورها عموماً وقتی با افت ارزش پول ملی مواجه می شوند، برای توسعه هر چه بیشتر صنعت گردشگری خود بیشتر تلاش می کنند و همچنین از آنجاکه این صنعت سفید بعد از نفت بیشترین درآمدزایی و اشتغالزایی را دارد؛ لازم است باهدف پایداری منابع به مشارکت کامل ذینفعان برای ارتقای کیفیت خدمات ارائه شده پرداخته شود.

این پژوهش جز اولین تلاش ها در شناسایی موانع در بُعد ساختاری برای مشارکت در امور گردشگری با رویکرد

آینده‌پژوهی است. درعین حال مطالعات در زمینه گردشگری پایدار بر اساس مشارکت اجتماع در حال گسترش است که دلیل این امر لزوم مشارکت همگانی باتوجه به افزایش جمعیت و شهرنشینی از یک سو و استفاده کامل از ظرفیت‌ها و ایجاد هماهنگی بیشتر در این صنعت با پراکندگی خدماتی بالا از سوی دیگر است (رونقی و دهقانی، ۱۳۹۹ و زارعی و همکاران، ۱۴۰۰).

کشور ایران با وجود پیشینه تاریخی غنی و جذاب خود، هنوز نتوانسته است که از ظرفیت‌های خود به طور کامل در این بخش بهره ببرد؛ در صورتی که با تنوع قومی بالای موجود می‌توان با توانمندسازی جامعه بر جذابیت مقصد و جذب گردشگر افزود. توانمندسازی ذینفعان نیاز به سامانه تخصیص منابع به شکلی عادلانه دارد که متأسفانه بخش زیادی از منابع به دلیل سیاسی کاری‌های بسیار در ساختار سازمانی متمرکز در ایران به نفع قشر خاصی مثل نخبگان این بخش تخصیص می‌یابد. این موضوع هزینه‌های مشارکت را به دلیل رشد شکاف طبقاتی روزافزون و عدم توانمندی بقیه ذینفعان، بالاتر می‌برد و مسئولان را صرفاً باهدف رفع مشکلات موجود و نه حل مشکلات با دیدگاهی آینده‌نگر و با چشم‌اندازی بلندمدت، دچار ذهنیت فعلی‌گرا کرده است. در نتیجه بخشی از جامعه که با کمبود منابع روبه‌رو بوده‌اند؛ توان مشارکتی خود را از دست داده و با عدم توان مشارکتی و تأثیرگذاری در تصمیمات امور جامعه خود مواجه می‌شوند. موانع کلیدی مشارکت ذینفعان گردشگری در این مطالعه به ترتیب عبارت‌اند از نگرش سیاسی متخصصان، ساختار متمرکز، مأموریت و اهداف متمایز، مقاومت در برابر اصلاحات (موسایی و همکاران، ۱۳۹۱)، سلطه نخبگان و هزینه‌های بالای مشارکت. همچنین مدیریت غیر مشارکتی به‌عنوان چالشی در مشارکت ذینفعان در امور شهری (لطیفی و سویزی، ۱۳۹۳ و عبدی و همکاران، ۱۳۹۸) به‌عنوان متغیر ریسک مطالعه شناخته شد که نشان می‌دهد ظرفیت بسیار بالایی برای تبدیل شدن به بازیگر کلیدی سامانه را داراست؛ زیرا به علت ماهیت ناپایدار این منطقه، پتانسیل تبدیل شدن به «نقطه انفصال» سامانه را دارد؛ لذا نباید از ترویج سبک مدیریت مشارکتی در بخش‌های مختلف زنجیره ارزش گردشگری غافل بود؛ بنابراین سهم مطالعه حاضر شناسایی و رتبه‌بندی موانع ساختاری گردشگری اجتماع‌محور از طریق رویکرد ISM-MICMAC ناشی است. روشی است که برای شناسایی روابط زمینه‌ای بین عناصر مشخص استفاده می‌شود، درحالی که میک‌مک طبقه‌بندی چالش‌ها را بر اساس قدرت نفوذ و وابستگی آنها تسهیل می‌کند. در بخش میک‌مک ماتریسی به ابعاد 13×13 تنظیم شد که درجه پرشدگی آن ۸۸ درصد بود که نشان از تأیید روایی و پایایی ابزارهای پژوهش است و همچنین نشان می‌دهد که پیشران‌های انتخاب شده کنش و واکنش و پراکندگی‌های زیادی نسبت به هم دارند. بر اساس شاخص‌های آماری و با دو بار چرخش، داده‌ها از مطلوبیت و بهینه‌شدگی ۱۰۰ درصد برخوردار شدند که حاکی از روایی مطلوب پرسش‌نامه و پاسخ‌های آن بوده است.

در این مطالعه ضمن اولویت‌بندی موانع مشارکت ذینفعان گردشگری در رویکرد گردشگری اجتماع‌محور، به ترسیم روابط علی و معلولی با روش ساختاری تفسیری پرداخته شد تا یک دید نظام‌مند و واضح از موانع ساختاری مشارکت ذینفعان گردشگری ایجاد شود. درک بهتر از آینده یک سامانه مثل یک سازمان یا یک کشور یا حتی یک فناوری، هنگامی اتفاق می‌افتد که سامانه را به طور عمیق مورد بررسی قرار داده و آثار روندهای مؤثر بر آن را بشناسیم و درک کنیم؛ لذا از روش میک‌مک استفاده شد تا ضمن نمایش گرافیکی موانع شناسایی شده بر اساس قدرت نفوذ و وابستگی آنها در مدل‌سازی ساختاری تفسیری، بتوان موانع را به‌خوبی شناسایی کرده تا تأثیر آنها بر روند مشارکت را به طور عمیق درک کرد. مهم‌ترین دلیل استفاده از آینده‌پژوهی، کمک به تعیین آنچه نمی‌دانیم، اما باید بدانیم، است تا بتوان در آینده تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ کرد. در حقیقت سهم این مطالعه از ایجاد یک نمای کلی از چالش‌ها و نظریه‌پردازی روابط متقابل و وابستگی‌ها در میان چالش‌های ساختاری گردشگری اجتماع‌محور ناشی می‌شود. همچنین باتوجه به ادبیات محدود در این زمینه، شکاف‌های نظری این حوزه را پوشش داده است.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی این نتیجه حاصل شد که وجود نگرش‌های سیاسی در سازمان‌های ایران، یک چالش اصلی و مسبب بسیاری

از مشکلات دیگر مانند عدم توانمندی ذینفعان و متعاقباً مانع مشارکت مؤثر ذینفعان در مسیر گردشگری پایدار مبتنی بر اجتماع است. همچنین می‌توان این‌گونه استنباط کرد که عمده عواملی که مانع توسعه پایدار گردشگری می‌شوند از عهده مردم و مقامات محلی خارج است.

باتوجه به تأثیر بالای این مورد، لازم است علل سیاسی کاری و نگرش سیاسی به طور بنیادی در نهادهای عالی ریشه‌یابی شوند و با یک اراده ملی در جهت رفع آنها اقدامات مداوم اعمال گردد. وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در سطح ملی می‌بایست به توزیع قدرت بین شوراهای شهر اقدام کرده و تعادل و توازن قدرت را برقرار کند تا مقامات محلی تأثیر خود را بر روند توسعه گردشگری اجتماع محور لمس کنند. یکی از این اقدامات مهم در این زمینه ایجاد طرح درآمد پایدار برای شهرداری‌ها است، چراکه مستقیماً بر توانمندی شهرداری‌ها و شهروندان مؤثر است. اگر جوامع در مقاصد گردشگری به معنای واقعی توانمند نباشند، مشارکت ممکن است به نخبگان جامعه محدود شود که اغلب منجر به توجه به منافع آنها می‌شود و نه منافع کل جامعه. تعاملات باید به گونه‌ای هدف محور باشد تا اهداف ارتباطات برای طرفین کاملاً روشن باشد و از هم‌پوشانی وظایف جلوگیری شود، لذا لازم است که سازمان‌ها بیانیه مأموریت سازمانی شفاف در خصوص مشارکت جامعه داشته و اقدامات نظارتی و قانونی قدرتمندی در این راستا تصویب کنند. طبق نظر زارعی (۱۴۰۰)، جامعه ضعیف و تشکل نیافته موجب قرارگرفتن نخبگان در رأس تصمیمات ساختاری در کشورهای توسعه نیافته شده است.

بنابراین برای رفع این مشکل می‌بایست به توانمندسازی جامعه برای بالارفتن توان مشارکت آنها در تصمیمات کلان اقدام نمود. شکاف بین واقعیت و شعارهای مشارکت ممکن است با ظهور سازمان‌ها و شبکه‌های جامعه مدنی که خواستار صدا در میز سیاست هستند، تا حدودی کاهش یافته باشد؛ اما دستیابی واقعی به این هدف نیازمند اراده بالایی در تحقق ابعاد مختلف توسعه پایدار جهت افزایش ظرفیت‌ها در کل جامعه و در تمام ابعاد از جمله ابعاد اجتماعی و اقتصادی است که این عوامل شامل تسریع فقرزدایی، تغییر الگوی مصرف، سیاست‌گذاری مناسب تحولات جمعیتی، تأمین سلامت، تأمین مسکن مناسب و تلفیق برنامه‌ریزی محیط‌زیست و توسعه و همچنین مشارکت مردمی همه ابعاد در فرایند توسعه است. چراکه فقر و انزوای محلی و ظرفیت محدود جامعه به سلطه نخبگان و بدتر شدن شکاف طبقاتی دامن می‌زند که این اصلاحات را دشوارتر کرده و هزینه‌های مشارکت مردم و توانمندسازی آنها هم به‌مرور بالاتر می‌برد و این موجب مقاومت بیشتر مقابل اصلاحات ساختاری و تمرکز بیشتر خواهد شد. باید توجه داشت که عدم اعتماد به دولت و فقدان احساس عاملیت فردی، پیامدهای جدی بر برجستگی سیاسی توسعه پایدار دارد. براین اساس، شهرداری‌ها باید مجدداً سازماندهی شوند تا نگرانی‌ها و منافع هر طیف از ذینفعان گردشگری را در مناطق اداری خود منعکس کنند.

باید توجه داشت که تغییر هدفمند، یعنی اراده سیاسی که به چیزی بیش از یک تغییر انگیزشی جزئی از سوی سیاست‌گذاران یا آگاهی بیشتر نیاز دارد. این چالشی دشوار است زیرا به غلبه بر منافع متضاد و ایدئولوژیک قوی نیاز دارد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی، در مورد دلیل فقدان اراده سیاسی و اقدامات انجام شده برای تولید آن در ایران به تبیین بیشتری بپردازند. محدودیت مطالعه حاضر در این است که یافته‌ها به میزان زیادی تحت تأثیر نظرات خبرگان است. گرچه مدل توسعه یافته ممکن است در سایر شهرها و کشورهای در حال توسعه با تغییرات جزئی مورد استفاده قرار گیرد؛ اما پژوهش‌های آینده می‌توانند با شناسایی چالش‌های متعدد و با ادغام نظرات کارشناسان و خبرگان بیشتری در شهرهای مختلف، به ارائه مدل‌های جامع‌تر و افزایش درک ارتباط میان چالش‌های ساختاری گردشگری مبتنی بر اجتماع کمک فزاینده‌ای کنند.

منابع

رونقی، محمدحسین؛ دهقانی، مسعود (۱۳۹۹). ارائه چارچوب پذیرش گردشگری الکترونیکی با استفاده از روش فراترکیب، فصلنامه گردشگری و توسعه، ۹ (۴)، ۴۹-۶۳.

- زارعی، عظیم؛ مدرسی، میثم؛ فلاحتی، آزاده (۱۴۰۰). شناسایی و مدل‌سازی موانع عملیاتی گردشگری اجتماع محور ایران. *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۱۰ (۳۷)، ۱۸۵-۲۰۵.
- زارعی، علی (۱۴۰۰). چرخش نخبگان سیاسی پس از انقلاب اسلامی در ایران، *پژوهش‌های راهبردی/انقلاب اسلامی*، ۲ (۳)، ۳۰-۱.
- زاهدی، شمس السادات؛ خانباشی، محمد (۱۳۹۱). چارچوبی نظاممند برای تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*، ۲۱ (۶۸)، ۳۳-۶۵.
- عبدی، کمیل؛ جعفری مهرآبادی، مریم؛ صفایی رینه، مصطفی؛ الله یاری، شمیلا (۱۳۹۸). سنجش رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری با رویکرد حکمروایی خوب شهری مطالعه موردی: شهر کiasر، *فصل نامه آمایش محیط*، ۴۵، ۱۳۹-۱۶۶.
- کریمیان، محمدوزین؛ کلاهی، بهاره؛ صفری، سعید (۱۳۹۴). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر شفافیت نظام اداری ایران (ناظر بر بند ۱۸ سیاست‌های کلی نظام اداری)، *چشم‌انداز مدیریت دولتی*، ۶ (۳)، ۸۳-۱۰۵.
- لطیفی، غلامرضا؛ سویزی، امیر (۱۳۹۳). بررسی و شناخت موانع فرهنگ مشارکت شهروندی و تحقق جامعه مدنی (نمونه موردی: منطقه ۰۱ شهر اصفهان)، *بیست و چهارمین همایش ملی شهرسازی فرهنگ گرا، اصفهان*.
- موسایی، میثم، هاشمی، سمیه؛ ابراهیمی، میترا (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی توسعه پایدار گردشگری در ایران؛ موانع، چالشها، راهکارها، *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر*، ۶ (۱۶)، ۵۰-۲۵.
- یورونیوز فارسی، اعلام رتبه‌بندی سالانه فساد، ایران در رده ۱۴۶ جهان. پنجشنبه (۳ بهمن، ۱۳۹۸). قابل‌بازایی در: <https://per.euronews.com/corruption-index-۲۰۱۹/transparency-international-۲۳/۰۱/۲۰۲۰> th۱۴۶iran-

References

- Abdi, K., Jafari Mehrabadi, M., Safaei Rineh, M., & Allah Yari, S. (2019). Measuring Citizens' Satisfaction with Municipal Performance with Good Urban Governance Approach (Case Study: Kiasar City), *Environmental Management Quarterly*, 45, 139-166 (In Persian).
- Alshboul, K. (2016). *Assessing local community involvement in tourism development around a proposed world heritage site in Jerash*, degree of Doctor in Philosophy. University of Waterloo.
- Aref, F. (2011). Barriers to community capacity building for tourism development in communities in Shiraz, Iran. *Journal of Sustainable Tourism*, 19(3), 347-359.
- Arnstein, S. R. (1969). A ladder of citizen participation. *Journal of the American Institute of planners*, 35(4), 216-224.
- Cole, S. (2006). Information and empowerment: The keys to achieving sustainable tourism. *Journal of sustainable tourism*, 14(6), 629-644.
- Euronews Farsi announces annual ranking of corruption, Iran is ranked 146th in the world. Thursday (February 23, 2017). Retrieved from: <https://per.euronews.com/2020/01/23/transparency-international-2019-corruption-index-iran-146th> (In Persian).
- Eyiah-Botwe, E., Aigbabavboa, C., & Thwala, W. D. (2015). Critical barriers affecting stakeholders' management in the construction industry. Retrieved online from [www. core. ac. uk/download/pdf/54198685](http://www.core.ac.uk/download/pdf/54198685) on the.
- Farming, M., Modarressi, M., & Fallahi, A. (2021). Identification and modeling of operational barriers to community-based tourism in Iran. *Tourism Planning and Development*, 10 (37), 185-205 (In Persian).
- Godet, A. J., Meunier, M. F., & Roubelat, F. (2003). *Structural analysis with the MICMAC method & actors' strategy with MACTOR method*. In: Glenn, J. C., and Gordon, T. J. (Eds), *AC/UNU Millennium. Project: Futures Research Methodology V2.0*, AC/UNU, Washington, DC.
- Harbrich, K., & Hickmann, T. (2018). Bridging the resource gap: Inter-organizational collaboration between the World Bank and transnational city networks. *Journal of International Organizations Studies*, 9(1), 61-80.

- Janssen, M., Luthra, S., Mangla, S., Rana, N. P., & Dwivedi, Y. K. (2019). Challenges for adopting and implementing IoT in smart cities: An integrated MICMAC-ISM approach. *Internet Research*, 29(6), 1589-1616.
- Kala, D., & Bagri, S. C. (2018). Barriers to local community participation in tourism development: Evidence from mountainous state Uttarakhand, India. *Turizam: međunarodni znanstveno-stručni časopis*, 66(3), 318-333.
- Karimian, M. A. Hat, S., & Safari, S. (2015). Identifying and prioritizing the factors affecting the transparency of the Iranian administrative system (Supervisor of Article 18 of the General Administrative Policy), *Government Management Perspectives*, 6 (3), 105-83 (In Persian).
- Kunjuraman, V., & Hussin, R. (2017). Challenges of community-based homestay programme in Sabah, Malaysia: Hopeful or hopeless?. *Tourism Management Perspectives*, 21, 1-9.
- Latifi, G., & Sweezy, A. (2014). Investigating and recognizing the barriers to the culture of citizenship participation and the realization of civil society (Case study: District 01 of Isfahan), *24th National Conference on Cultural Oriented Urbanism*, Isfahan (In Persian).
- Le, M. D. (2016). *Developing sustainable tourism: critical perspectives from Baria-Vungtau province, Vietnam*. degree of Doctor. University of Bedfordshire .
- Ledford, A. K., & Lynch, S. M. (2019). Comparing Theories of Resource Distribution: The Case of Iran. *Socius*, 5, 2378023119886406.
- Li, Y. (2004) Exploring community tourism in China: the case of Nanshan cultural tourism zone. *Journal of Sustainable Tourism*, 12(3), 175-193.
- Michael, M. (2009). *Community involvement and participation in tourism development in Tanzania: a case study of local communities in Barabarani village*, MTO WA MBU, Arusha-Tanzania.
- Musadad, M. (2018). Community Participation in Nature Tourism Development: Lessons From Pindul Cave in Yogyakarta, Indonesia. *Jurnal Kawistara*, 8(2), 169-183.
- Musaei, M., Hashemi, S., & Ebrahimi, M. (2012). Sociological study of sustainable tourism development in Iran; *Obstacles, Challenges, Solutions*, *Journal of Social Sciences*, Islamic Azad University - Shushtar Branch, 6 (16), 50-25 (In Persian).
- Nason, V., & Nyakiba, P. N. (2018). Building the capacity of local communities to enhance the sustainability of community-based tourism: The case of OLGULULUI GROUP RANCH, *Kajia Province, Kenya*. 2(5), 172-182.
- Nita, A., Ciocanea, C. M., Manolache, S., & Rozyłowicz, L. (2018). A network approach for understanding opportunities and barriers to effective public participation in the management of protected areas. *Social Network Analysis and Mining*, 8(1), 31-45.
- Phanumat, W., Sangsnit, N., Mitrchob, C., Keasang, S., & Noithammaraj, P. (2015). A multi-stakeholder participatory approach in community-based tourism development: a case study from Thailand. *WIT Transactions on Ecology and the Environment*, 193, 915-928.
- Ponting, J., McDonald, M., & Wearing, S. (2005). De-constructing wonderland: Surfing tourism in the Mentawai Islands, Indonesia. *Society and Leisure*, 28(1), 141-162.
- Ronaghi, M.H., & Dehghani, M. (2020). Providing a framework for accepting e-tourism using the meta-combined method, *Quarterly Journal of Tourism and Development*, 9 (4), 49-63 (In Persian).
- Singh, M. D., & Kant, R. (2008). Knowledge management barriers: An interpretive structural modeling approach. *International Journal of Management Science and Engineering Management*, 3(2), 141-150.
- Siti-Nabiha, A. K., & Saad, N. H. M. (2015). Tourism planning and stakeholders' engagements: the case of Penang Island. *Problems and perspectives in management*, 13 (2), 269-276.
- Stanujkic, D., Karabasevic, D., & Zavadskas, E. K. (2015). A framework for the selection of a packaging design based on the SWARA method. *Engineering Economics*, 26(2), 181-187.
- Tamir, M. (2015). Challenges and opportunities of community based tourism development in awi zone: A case study in Guagusa and Banja Woredas, Ethiopia. *Journal of Tourism*,

- Hospitality and Sports*, 11, 50-78.
- Tosun, C. (2000). Limits to community participation in the tourism development process in developing countries. *Tourism management*, 21(6), 613-633.
- van Nimwegen, G., Bollen, L., Hassink, H., & Thijssens, T. (2008). A stakeholder perspective on mission statements: an international empirical study. *International Journal of Organizational Analysis*.
- Wanner, A., & Pröbstl-Haider, U. (2019). Barriers to Stakeholder Involvement in Sustainable Rural Tourism Development—Experiences from Southeast Europe. *Sustainability*, 11(12), 3372-3391.
- Yanes, A., Zielinski, S., Diaz Cano, M., & Kim, S. I. (2019). Community-based tourism in developing countries: A framework for policy evaluation. *Sustainability*, 11(9), 2506-2518.
- Yitmen, I. (2015). The influence of cross-cultural communication on stakeholder management process in international construction projects: turkish stakeholders' perspective. *International Journal of Civil Engineering*, 13(2), 179-190.
- Zahedi, S., & Khanbashi, M. (2012). A systematic framework for analyzing the factors affecting political trust in Iran. *Journal of Management Studies* (Improvement and Transformation), 21 (68), 33 -65 (In Persian).
- Zarei, A.(2021). The rotation of political elites after the Islamic Revolution in Iran, *Strategic Research of the Islamic Revolution*, 2 (3), 1-30 (In Persian).

